

درون‌مایه‌های شعر بهار و جایگاه او در قصیده

حیدر کریم پور^۱، پروانه مافی^۲

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، ایران

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، ایران

چکیده

در این تحقیق سعی شده است به روش کتابخانه‌ای و به شیوه تحلیلی-توصیفی، به موضوع پرداخته شود ما می‌دانیم که «بهار» یکی از قصیده‌پردازان بزرگ معاصر در شعر کلاسیک می‌باشد.

این شاعر بزرگ، آشکار از سبک شاعران نامی، همچون فرخی سیستانی، مسعود سعد سلمان و خاقانی شروانی تبعیت می‌کند. یکی از ویژگی‌های شعر بهار، آوردن مضامین حکیمانه و تعلیمی است که به شکلی زیبا با آموزه‌های اخلاقی و مذهبی گره خورده است.

بهار، در عرصه شاعری، این توفیق را حاصل کرده است که به جای پرداختن به موضوعات پوسیده و تکراری متقدمین به درون‌مایه‌های شعری معاصر راه پیدا کند و همین مسئله، قصاید او را از دیگران متمایز می‌کند. از مهم‌ترین این موضوعات پرداخت به «وطن» که دومین معاصرین به «ماد وطن» معروف است، همچنین، عدالت، آزادی و بیداری، از آن جمله است.

واژه‌های کلیدی: قصیده، شعر، وطن، درون‌مایه‌های شعری، عدالت.

مقدمه

شاید این ادعا، چندان دور از ذهن نباشد که به لحاظ زمانی و ارزش ادبی، قصیده با رودکی سمرقندی شروع و با ملک الشعرای بهار، به پایان رسیده است و به همین خاطر است که ملک الشعرای را می‌توان واپسین شاعر قصیده‌سرا نام برد، اگرچه بعد از بهار، مخصوصاً در ادبیات انقلاب اسلامی، افرادی چون مهرداد اوستا، علی معلم، حمید سبزواری، حسن حسینی و... در این خصوص طبع آزمایی کرده‌اند اما هیچ کدام نتوانستند نامی همپایه: فرخی، منوچهری، انوری، عنصری، سعدی، ناصرخسور و قاتنی برای خود کسب کنند.

یکی از امتیازات و ویژگی‌های خیلی مهم «بهار» این است که توانست با استفاده از مضامین نو و اندیشه‌های سیاسی، مذهبی، اخلاقی و اجتماعی روز و همچنین مردمی کردن اشعار خود، خط و مسیر خویش را در قصیده از شاعران متقدم جدا کند. اگرچه «بهار» در قصیده پیرو شاعران سبک خراسانی، مخصوصاً خاقانی، مسعود سعد و فرخی می‌باشد اما هنر آنها را به زیبایی در قالب اندیشه‌های نو درآمیخته است و همین امر باعث شده که اشعارش به دل بنشیند و قصیده‌هایش در محافل انس و ادب زبانزد خاص و عام شود تا جایی که توانسته است هم نظر شاعران سنت‌گرا و هم شاعران نوگرا را به خود جلب کند.

در این تحقیق سعی شده است جایگاه این قصیده‌سرای بزرگ با استفاده از مولفه‌های شعری و سبک‌ش، سنجیده شود و با این رویکرد و این فرضیه‌ها که: آیا آنچه او را از سایر قصیده‌سرایان بزرگ ایران جدا کرده و پرداختن به درون‌مایه‌های شعری و افکار انقلابی او می‌باشد؟ آیا ظهور او در عصر تکنولوژی و ارتباط با افکار غرب توانسته است از او یک شاعر جدید با افکار مدرن و متفکرانه بسازد؟ آیا صبغه مذهبی خود و پدرش در تولید آستان قدس و انعکاس در اشعارش از او یک چهره ادبی - مذهبی ساخته است. در این مقاله سعی شده به جایگاه و پایگاه این شاعر بزرگ با استفاده از مولفه‌های یاد شده، پرداخته شود.

زندگی و آثار محمدتقی بهار

محمدتقی بهار، در سال ۱۲۶۵ در مشهد، چشم به جهان گشود. پدرش میرزامحمد کاظم صبوری نام داشت. بهار در سن چهار سالگی به مکتب‌خانه رفت و تحصیلاتش را آغاز نمود. در سال ۱۲۷۲ از طریق پدرش با شاهنامه آشنا شد و در همین سال اولین شعرش را در بحر شاهنامه سرود و از پدر خود جایزه دریافت کرد. در سال ۱۲۸۳ پدرش فوت کرد و مسئولیت و سرپرستی خانواده به دوش بهار افتاد. مظفرالدین شاه قاجار بعد از فوت پدر، مقام ملک‌الشعرایی را به بهار اعطا کرد او در تهران «جمعیت ایرانی هواداران صلح» را تشکیل داد و با وزارت فرهنگ نیز قراردادی برای تألیف کتاب «سبک‌شناسی شعر فارسی» بست که به علت بیماری ناتمام ماند. همچنین قصیده «جغد جنگ» را در ستایش صلح سرود. بهار سرانجام در سال ۱۳۳۰ بر اثر بیماری سل درگذشت و در ظهیرالدوله شمیران به خاک سپرده شد. (فرهنگ و هنر)

کتاب‌ها:

- دیوان اشعار
- تاریخ تطور شعر فارسی
- احوال فردوسی
- تاریخ مختصر احزاب سیاسی
- چهار خطابه
- دستور پنج استاد
- زندگی‌نامه مانی
- سبک‌شناسی
- شعر در ایران
- قبر امام رضا (ع)
- فردوسی‌نامه
- یادگار زرایران

تصحیح‌ها:

- تاریخ بلعمی
- تاریخ سیستان
- رساله نفس
- شاهنامه فردوسی
- مجمل التواریخ و القصص
- منتخب جوامع الحکایات و لوامع الروایات عوفی

توجه به شکل فرمالیستی اشعار

یکی از دلایل توفیق بهار، علاوه بر معناگرا بودن، توجه به شکل فرمالیستی اشعار می‌باشد. ملک‌الشعرای آستان قدس رضوی مثل سایر مداحان اهل بیت، ارادت ویژه‌ای به امام رضا (ع) داشته، تا جایی که حدود سیزده قصیده، غزل و مسمط در مدح امام رضا (ع) سروده است و با توجه به اینکه شاعر بزرگ که به حق لقب خاتم قصیده‌سرایان براننده اوست شاعرست فحل، زبردست که در شعرهایش [علاوه بر معنی] به شکل و صورت و لفظ، بسیار توجه می‌کرده است و همین علت ما را بر آن داشت تا به بررسی فرمالیستی یکی از چامه‌های او در مدح و منقبت امام هشتم (ع) پردازیم:

«در سلام عید مولود حضرت ثامن‌الائمه علیه‌السلام»

قوام و توت نو یافت دین پیمبر	زفر مقدم فرزند موسی جعفر
شهی که در طلب خاک آستانه او	گشاده شب، همه شب، چرخ دیده از اختر
چراغ نرم و ولایت، پناه دین مبین	فروغ چشم هدایت، امام حق و بشر
نه بی اجازت او دور می‌زند گردون	نه بی بشارت او سیر می‌کند اختر

(بهار، ۱۳۸۰: ۱۶۴)

الف) تناسب وزن ابیات شعر با انسجام شعر

فرمالیست‌ها بر این باورند که اجرای یک اثر هنری، باید متقابلاً یکدیگر را پشتیبانی کنند و این اجزا باید در خدمت درون‌مایه اثر انجام وظیفه نمایند.

مرحوم ملک‌الشعرای بهار، این قصیده‌سرای چیره‌دست با تجربه فراوان و دانش ادبی‌ای که داشت وزن را به خوبی در خدمت درون‌مایه شعرش به کار برده است. این وزن در عین حال که وزن طرب‌انگیز و شاد است (یک شادی روحانی در خور شأن ائمه اطهار) و مناسب با حال و هوای عید و میلاد، وزنی است سنگین، باوقار که متانت و سنگینی حضرت را به خوبی به خواننده القاء می‌کند.

ب) تناسب قافیه و شعر با انسجام شعر

قافیه‌های این شعر عبارتند از: پیمبر، جعفر، اختر، بشر و... که حرف روی آنها «ر» است. اگر به نحوه تلفظ حرف روی «ر» دقت کنیم می‌بینیم که تلفظ «ر» نوعی ارتعاش به زبان می‌دهد که باعث جنب و جوش و رقص و شادی می‌شود. (نشریه زیبایی شناسی ادبی)

بخشی از فعالیت‌های سیاسی و ادبی بهار

بهار از آن دسته از شاعرانی نبود که تمام هم و غمشان دریافت صله و رفع حوائج زندگی باشد و گوهر ادب و شرفشان را برای مقداری کاه و یا روغن چراغ به مزایده بگذارند. زندگی ادبی این مرد بزرگ، چنان با سیاست گره خورده بود که بدون آنها، توانایی نفس کشیدن نداشت و همین، ارج و اعتبار او را نزد همگان دو برابر کرده و او را از شاعران یک سویه‌نگر، متمایز ساخته بود. ما می‌دانیم که ارزش یک شعر، تنها به شاکله ادبی آن نیست بلکه وجود محتوای فکری می‌تواند به آن ارج و منزلت خاصی ببخشد و آن شعر را جاودانه کند. امروزه آنچه که شاعران متاخر و معاصر را بر سر زبان‌ها انداخته است روی آوردن به ادبیات پایداری و دفاع از مردم مظلوم کشورشان می‌باشد.

پس ناگزیریم برای ارزشیابی شعر این شاعر، به بخشی از فعالیت‌های سیاسی او هم نظر داشته باشیم. «محمدتقی بهار، ملقب به ملک‌الشعرا بهار، ادیب، سیاستمدار و روزنامه‌نگار ایرانی است. بهار را می‌توان به زعم بسیاری از محققان، بزرگ‌ترین قصیده‌سرای اجتماعی فارسی دانست» (فرشید ورد، ۱۳۷۵: ۳۷۰). بهار بدون تردید یکی از شاعران بزرگ دوره مشروطه به حساب می‌آید که با توانایی ادبی و سیاسی خود توانسته است خود را به مقام بالایی در تاریخ ادب ایران زمین برساند.

«آثار تجدد و تنوع در بیشتر اشعار او در لفظ و معنی آشکار است و به این تعبیر، بهار را می‌توان از پیشروان تجدد ادبی امروز ایران خواند اما در شیوه شعر قدیم، باید او را احیاکننده بزرگ سنت‌های شاعران کهن در روزگار ما شمرد» (زرین کوب، ۱۳۷۰: ۳۲۴).

او هم مرد سیاست بود و هم مرد ادب. در همین حال که در متن جریان‌های سیاسی ایران و جهان قرار داشت به نقد و تحلیل این جریان‌ها پرداخته و آنها را در اشعارش گنجانده است. او «در عین حفظ موازین و مقررات سنت و استفاده معتدل از زبان روز، بیشتر استعداد نفوذ، در میان مردم را داشت» (پورنامداریان، ۱۳۸۳: ۸۷). بهار مانند دیگر شاعران مشروطه‌خواه، همیشه دل‌نگران وطن بود. او بهترین ستایش‌ها را از آزادی و وطن در قصاید خویش آورده است.

ای خطه ایران میهن، ای وطن من
ای گشته به مهر تو عجبین، جان و تن من
(همان: ۱۷۷)

وی به دلیل آگاه بودن از امورات کشورش، در شعر خود به ریزترین وقایع هم اشاره می‌کند.

اندین کشور که خادم را زخائن فرق نیست رشوه نگرفتن عذابست ای مشارالسلطنه

(همان: ۲۳۰)

باید این نکته را هم افزود که فعالیت‌های ادبی بهار فقط منحصر به شعرهای وی نمی‌باشد بلکه او از همان جوانی، فعالیت‌های مطبوعاتی خود را هم آغاز کرد و در طی آن سال‌ها، روزنامه‌هایی همچون، نوبهار، تازه‌بهار و مجله دانشکده را منتشر ساخت. ملک‌الشعرا پس از استقرار مشروطیت به مشروطه‌طلبان پیوست و شش دوره نماینده مجلس شد. او به دلیل پیوستن به مشروطه‌طلبان و آزادخواهان چند بار تبعید و زندانی شد که سال‌های زندان و تبعید از پربهره‌ترین سال‌های زندگی ادبی وی بوده است.

درونمایه‌های شعر بهار

درون‌مایه‌های شعر بهار، درون‌مایه‌های بیشتر آزادی‌خواهان عهد مشروطیت نیز هست و این ندای آزادی‌خواهانه از زبان شاعران، رساتر و قابل قبول‌تر می‌باشد. در زیر تیتیر مورد به چند مورد از درون‌مایه‌ها اشاره می‌کنیم.

۱- وطن‌پرستی

بیشتر اشعار بهار در وصف وطن‌پرستی است و بارها آن را به زبان شعر توصیف کرده است.

هر کو در اضطراب وطن نیست
آشفته و نژند چون من نیست
یا مرگ یا تجدد و اصلاح
راهی جز این دو پیش وطن نیست

(همان: ۲۳۳)

۲- اعتراض به تسلط بیگانگان

بیشتر اشعار بهار، رنگ و بوی اعتراض به بیگانگان را دارد.

ظلمی که انگلیس در این خاک و آب کرد نه بیوراسب کرد و نه افراسیاب کرد
از جور و ظلم تاری و تاتار درگذشت
ظلمی که انگلیس در این خاک و آب کرد

(همان: ۵۵۶)

۳- دفاع از حقوق زنان

زن در دیوان اشعار بهار جایگاه بسیار بالایی دارد. «واژه زن ۳۶۲ بار، مادر ۱۴۴ بار و دختر ۴۱ بار در اشعار بهار تکرار شده است» (حسینی، ۱۳۸۷: ۳۳۶).

زن بود شعر خدا، مرد بود نثر خدا
مرد نثری سره و زن غزلی تر باشد
نثر هر چند به تنهایی خود هست نکو
لیک با نظم چو پیوست نکوتر باشد
زن یکی، مرد یکی، خالق و معبود یکی هر یک از این سه، دو شد، مهره به ششدر باشد

(همان: ۳۵۴)

۴- پند و نصیحت

دیوان بهار پر از پند و اندرزهای خردمدارانه است:

هان ای بهار مرد خرد شو که در جهان بند است بیژنی و مغاک است رستمی

(همان: ۳۷۴)

ویژگی های سبکی ادبی و محتوایی در شعر بهار

برای پی بردن به میزان توانایی یک شاعر در شعر، می توان به ویژگی های سبکی اثر او مراجعه کرد و آنها را از سه جهت زبانی، ادبی و محتوا مورد بررسی قرار داد و ما در اینجا برای جلوگیری از اطاله کلام فقط به دو ویژگی سبکی این شاعر، یعنی؛ ادبی، محتوایی، اشاره ای تیتروار خواهیم داشت:

الف) سطح ادبی

هر چقدر دانش ادبی شاعر وسیع باشد. قطعاً انعکاس گونه های آن در اثرش بیشتر خواهد بود و دانش ادبی بهار همراه با ذوق وافر او، این اجازه را به او می دهد تا به نحو احسن و اکمل از این خصیصه بهره ی فراوان ببرد.

«توجه به بسامد لغاتی که در معانی ثانویه (مجاز) به کار رفته اند. مسائل علم بیان از قبیل تشبیه و استعاره و سمبل و کنایه، مسائل بدیع معنوی از قبیل ایهام و تناسب و به طور کلی زبان ادبی اثر و انحراف های هنری و خلاقیت است. ادبی در زبان تمام سخن فرمالیست ها این است که در ادبیات اصل، «ادبیت» است یعنی طرز بیان و نحوه ارائه موضوع به صورت ادبی» (شمسیا، ۱۳۸۷: ۱۵۵).

در اینجا به تعدادی از نمونه های ادبی اشاره می کنیم:

۱- تمثیل

گاهی اوقات بهار، برای تاثیر بخشیدن به اشعارش به صنعت تمثیل روی می آورد:

باز خنگ فکرم جولان گرفت فیل طبعم یاد هندوستان گرفت

(همان: ۸۳۸)

۲- تشبیه

یکی از ابزارهای بسیار مهم برای هر شاعری استفاده به موقع و هنری از تشبیه است که بهار در این خصوص، سنگ تمام گذاشته است و البته تشبیه، خود، انواعی دارد.

ای پشت من از دوری دیوار تو چون جیم ولی قد من از محنت هجران تو چون دال

(همان: ۳۱)

کاربرد اسطوره‌های حماسی و ملی

یکی از شاخص‌هایی که می‌تواند در حماسی کردن اثر مفید باشد، اشاره کردن به نام قهرمانان داستان‌های حماسی و اساطیری است که از آن بر خلق تصاویر حماسی بهره می‌برند:

زال مستان گریخت از دم بهمن
آمد اسفند مه به دفتر تهمتن
(همان: ۶۵)

تلمیح

در آثار بهار؛ تلمیحات نقش بسیار موثری ایفا می‌کند. مخصوصاً داستان پیامبران. در داستان یوسف می‌خوانیم که: «یعقوب از فراق یوسف، در اندوه‌های خود شد. چندان بگریست که چشم او سپید شد و شب و روز به خدای می‌نالید»

ریت الحزن همچو یعقوب محزون
بضاعت به سوی پسر می‌فرستم
(سورآبادی، ۱۳۵۲: ۶۵)
(بهار، ۱۳۸۱، ۶۰۸)

استعاره

استعاره عموماً برخاسته از دل طبیعت است و این آرایه در قصاید او از بسامد خوبی برخوردار است و جلوه زیبایی به اشعارش داده است:

ریحان داری دمیده بر گل نسرين
مرجان داری نهاده بر در شهسوار
(همان: ۱۴۷)

ب) ویژگی‌های محتوایی

در اشعار محتوایی بهار همواره سخن از آزادی، وطن، دفاع از قانون، بیگانه‌ستیزی و برقراری عدالت است و برای تصویرهایش بیشتر از طبیعت الهام می‌گیرد. «شعر بهار از نظر توجه به طبیعت و شعری آفاقی و برون‌گرا و هدفمند با تصاویر ساده و ملموس است. چرا که دید شاعر، بیشتر در سطح اشیاء جریان دارد و در ورای پرده طبیعت، کمتر می‌توان حالت عاطفی یا تأمل ذهنی و نفسانی جستجو کرد» (تجلیل، ۱۳۸۹: ۱۰۴).

مهرگان آمد و دشت و دمن در خطر است
سنبل و سوسن و ریحان و سمن در خطر است
چمن از غلغلۀ زاغ و زغن در خطر است
ای وطن خواهان زنه‌ار، وطن در خطر است
(بهار، ۱۳۸۱: ۱۷۸)

انگیزه های وصف در شعر بهار

هر شاعری در روی آوردن به وصف برای خود دلایلی دارد. شاعران متقدم عموماً، به شعرهای مدحی روی می آوردند و هدف از آن دریافت صله و انعام بزرگان و پادشاهان بوده است. آنها علاوه بر مدح پادشاهان به توصیف طبیعت و جلوه های هستی آن نیز می پرداختند.

ملک الشعراء بهار چون به لحاظ زمانی در برهه ای از زمان به سرودن شعر مشغول می شود که همراه با تحولات سیاسی و اجتماعی جامعه بوده است در نتیجه درون مایه های شعری وی هم از تنوع بیشتری برخوردار است. پس می توان توصیفات وی را به سه دسته تقسیم کرد که مختصراً به آنها پرداخته می شود:

۱- وصف در خدمت مدح

۲- وصف در خدمت مسائل وطنی و انتقادی

۳- وصف در خدمت وصف (سالاری، ۱۳۹۸: ۱۶)

۱- وصف در خدمت مدح

بهار در اشعار مدحی خود مقلد همان شاعران پیشین خراسانی و آذربایجان می باشد و سعی می کند مطابق سنت ها، اجزای قصیده را که یکی از آنها تشبیه می باشد با پرداختن به ذکر معشوق و طبیعت و مقدمه سازی آماده کند. او در قصاید مدحی خود به ائمه اطهار علاقه ویژه ای داشته است. در زیر، نمونه ای تشبیه از او را می خوانیم که به توصیف چهره معشوق پرداخته است:

ایا تافته چهره ارغوانی	نفته گهر در عقیق یمانی
به عارض پرندی به گیسو پرندی	به مژگان خدنگی به ابرو کمانی
کمر چون بندی، سخن چون سرایی	بدین بی میانی بدین بی دهانی؟
به گیتی نباشد ازین چار خوشتر	سرود و می و عاشقی و جوانی

(بهار، ۱۳۸۰: ۷-۹۲)

۲- وصف اشعار وطنی و انتقادهای اجتماعی

در این قسمت از قصاید شاعر دیگر از قصاید سستی با موضوعات پوسیده و تاریخ مصرف گذشته، جدا شده و به مضامینی جدید، از جمله آزادی و وطن روی می آورد از جمله شعر زیر که در «لزن» سوئیس سروده شده و به «لزینه» معروف است.

مه کرده مسخر دره و دشت لزن را	پر کرد زسیماب روان، دشت و چمن را
گیتی به غبار و مه و میغ نمان گشت	گفتی که گرفتند به جاروب لزن را
برف آمد و بر سلسله آلپ کفن دوخت	و آمد مه و پوشید به کافور کفن را
ناگاه یکی سیل رسید از دره ای ژرف	پوشید سراپای در و دشت و دمن را

تاریک شد آفاق تو گفתי که به عمدا
یک باره زدند آتش صد تل جگن را
شد داغ دلم تازه که آورد به یادم
تاریکی و بد روزی ایران کهن را
(همان: ۶۸۲)

یا این قصیده بسیار زیبای بهار که جور زمانه را به شکلی نمادین بیان می کند و همین یک قصیده به تنهایی کافیت تا به ارزش ادبی ملک الشعرای بهار در میان شاعران قصیده سرا پی برده شود:
ای دیو سپید پای در بند
ای گنبد گیتی ای دماوند
چون گشت زمین ز جور گردون
سرد و سیه و خموش و آوند
بنواخت زخشم بر فلک مشت
آن مشت تویی، تو ای دماوند
تو قلب فسرده زمینی
از درد ورم نموده یک چند
بگرای چو اژدهای گرزه
بخروش چو شرزه شیر ارغند
زین بی خردان سفله بستان
داد دل مردم خردمند
(همان)

۳- وصف در خدمت وصف

در این قسمت برخلاف قسمت های قبلی شاعر، توجهی به سیاست و برقراری عدالت و آزادی و وطن ندارد، بلکه او می خواهد قدرت شاعری خود را به رخ مخاطب بکشد و بنا به دنباله روی از شاعران متقدم و سلفش فقط به توصیف محض از عناصر طبیعت بپردازد.
چون اوج گرفت مهر از سرطان
بگشاد تموز چون شیر دهان
شد خشک به دشت آن سبزه خرد
شد پست به کوه آن برف کلان
شد توت سپید و انگور رسید
وان توت سیاه آمد به دکان
شد گرم هوا و شد تفته زمین
زین بیش به شهر ماندن نتوان
امسال مراست رای درکه
کانجا زفضول خالیست مکه
(همان: ۴۶)

ذکر این نکته بسیار ضروری است که بهار، علی رغم آوردن موضوعات جدید در توصیفاتش، سبک و سیاق او همان شاعران متقدم است فقط موضوع عوض شده و گاهی البته استفاده از واژه های جدید غربی در اشعار وی جلوه نمایی می کند نظیر:

چو پر بگسترده عقاب آهنین
شکار اوست همه شهر و روستای او
که در اینجا منظور از عقاب آهنین، همین هواپیمای امروزی ماست.

نتیجه گیری

نتیجه می گیریم اینکه، بهار به خاطر طبع روان و احاطه همه جانبه به دانش های روز ادبی و توصیفات دلنشین و زیبایش یکی از شاعران بزرگ در عرصه قصیده و مثنوی می باشد، این شاعر بزرگ با توانمندی هایش ثابت کرد که واپسین شاعر قصیده پرداز بزرگ ایران است و تا به حال کسی نتوانسته است این جایگاه رفیع را از او پس بگیرد.

پیروی او از شاعران بزرگی چون فرخی سیستانی، خاقانی شروانی و مسعود سعد و همچنین استفاده از موضوعات و درونمایه های مهمی چون؛ عدالت، آزادی و وطن و به کارگیری اوزان مناسب با موضوع، او را به شاعری فرم گرا و معنی گرا مبدل کرده است و نام او تا ابد بر تارک رفیع ادبیات ایران خواهد درخشید.

فهرست منابع و مآخذ

- بختیاری، احمد، بررسی ویژگی‌های سبکی، ادبی و محتوایی در اشعار ملک‌الشعرای بهار.
- بهار، محمدتقی (۱۳۸۱)، دیوان اشعار، چاپ اول، تهران: نشر سمیه.
- پورنامداریان، تقی، (۱۳۸۱)، سفر در مه، چاپ دوم، تهران: نگاه.
- تجلیل، جلیل، بیگلری، محمدتقی (۱۳۸۹)، «بلاغت تصویر در دیوان اشعار بهار» فصلنامه تخصصی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، ش ۲۸، ص ۱۰۶-۷۴.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۰)، با کاروان حله، تهران، علمی.
- ستاری، جلال (۱۳۸۱). پژوهشی در قصه سلیمان و بلقیس، تهران: نشر مرکز.
- سورآبادی، ابوبکر عتیق بن محمد، (۱۳۵۲)، یوسف و زلیخا به کوشش پرویز ناتل خانلری و ذبیح‌الله صفا، چاپ هفتم، تهران، امیرکبیر.
- فرشید ورد، خسرو (۱۳۷۵)، بهار شاعر بزرگ معاصر، مجلد اول، از کتاب یکصد و دهمین سالگرد میلاد بهار به کوشش سیده‌هادی حائری، تهران: حدیث.
- نوروزی چگینی، وحیده، مریمی، الهام (۱۳۹۲)، بررسی درون‌مایه وطن در اشعار ملک‌الشعرای بهار، جافظ ابراهیم، مجله مطالعات و تحقیقات ادبی.